جستار

نقش رسانه‌ها و غفلت از مخاطب‌سنجی

میر عبدالرضا سپنجی
مدرس دانشگاه
و پژوهشگر رسانه

شبکه‌های اجتماعی، فضای سایبری و دیگر رسانه‌ها در جریان انتخابات می‌توانند نقش کاتالیزور را داشته باشند. برخی می‌گفتند انتخابات سال ۹۲ و ۹۶، انتخابات تلگرامی بوده است. اما معتقدم، نکته درست و دقیقی نیست. رسانه‌ها و فضای سایبری به عنوان یک کاتالیزور و تسریع کننده در این جریان موثرند. اما اینکه بگوییم وجود تلگرام، اینستاگرام یا سایر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های تلفن همراه می‌توانند تحولی را به همراه داشته باشند، برآورد و نگاه کاملا اشتباهی است. به دلیل شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌ای که به وجود آمده است، که البته جناح‌های مختلف و حاکمیت در آن موثر بوده‌اند؛ فضای اجتماعی، مشاهدات میدانی، پژوهش‌ها، افکارسنجی‌ها و... نشان می‌دهد، مردم همچون انتخابات مجلس عمل کنند و این کاملا طبیعی است. نمی‌توان گفت چون مردم در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و پیام‌رسان‌های تلفن همراه مانند واتس‌آپ و ... حضور دارند و تحلیل‌های سیاسی، اقتصادی و انتخاباتی را می‌خوانند، حتما رای می‌دهند. به اعتقاد من به این شکل نیست. نقش رسانه‌ها همان نقش حرارتی است که می‌خواهد واکنشی را تسریع کند، سرعتش را افزایش یا گاهی هم کاهش دهد. صداوسیما و سایر رسانه‌های مکتوب، اینترنتی و خبرگزاری‌ها همین گونه هستند. اینکه در فضای سایبری عده‌ای مدام خبررسانی کنند، کانال و گروه بزنند، حتی برخی از کاندیداهای اسمی یا واقعی انتخابات برای این فعالیت‌های مجازی پول خرج کنند، و فکر کنند این اتفاقات باعث می‌شود مردم مشارکت کنند، برآورد و نگاه نادرستی است. اگر فضای اجتماعی، مثبت باشد و مردم به آینده‌شان امیدوار بوده و معیشت عزتمندانه‌ای داشته باشند، به طور حتم در انتخابات شرکت می‌کنند. اما اگر ببینند آنچه انتظار دارند محقق نمی‌شود، در این شرایط بودن یا نبودن تبلیغات در فضای سایبری و رسانه‌ها و صداوسیما چندان کمک کننده نخواهد بود. دانش ارتباطات و فعالیت رسانه‌ای می‌تواند ما را در فضای واقعی با سرعت بیشتر به عنوان یک کمک‌کننده به مقاصدمان برساند. رسانه‌ها به عنوان تسریع کننده هر فرآیندی می‌توانند اثرات مثبت و منفی داشته باشند. اگر فضای اجتماعی و واقعی فرد، او را به رای ندادن سوق دهد، رسانه‌ها نقش کاتالیزور را به عنوان تسریع کننده انجام می‌دهند. در چنین فضاهایی، برخی از پیام‌ها منتشر می‌شود که محتوای آنها طنز، عکس، فیلم و ... است که مردم آنها را در این فضاها به اشتراک می‌گذارند تا یکدیگر را به رای ندادن ترغیب کنند. اما اگر فضای مثبتی در عرصه اقتصاد، فرهنگ، سیاست، جامعه و ... وجود داشته باشد، شبکه‌های اجتماعی به عنوان تسریع و تشویق کننده به رای دادن عمل می‌کنند. یک فضای رسانه‌ای و یک فضای واقعی وجود دارد. بخش فضای رسانه‌ای، به حوزه سایبری، آنلاین، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها تعلق دارد. فضای واقعی را موازی فضای سایبری می‌دانم. فضای واقعی، زندگی روزمره، معیشت مردم، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و مسائل اجتماعی است. رسانه‌ها فضاسازی و بافت خاص خود را دارند. صداوسیما برنامه‌های خود را برای اقلیت ۷ تا ۸ درصدی در جامعه تولید و پخش می‌کند. البته در همه‌جای دنیا، وقتی نگاهِ مخاطب‌پنداری را مفصل بررسی کنیم، رسانه چه بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و حتی صداوسیما باشد، مدیران و برنامه‌سازانش با همان جبر فکری‌ای که دارند برای افرادی مانند خود برنامه می‌سازند و فکر می‌کنند همه مخاطبان مانند آنها فکر می‌کنند. وقتی مخاطب‌شناسی وجود نداشته باشد نگاه، مخاطب‌پندارانه می‌شود؛ یعنی من فکر می‌کنم چون من نوعی اینگونه فکر می‌کنم، بنابراین همه مخاطبان من نیز همین گونه اندیشه می‌کنند و برای همان نگاه هم برنامه می‌سازنم. اگر مخاطب‌سنجی و مخاطب‌شناسی اتفاق بیفتد که چند درصد مخاطبان به یک نگاه سیاسی تعلق خاطر دارند، چند درصد از وضعیت موجود رضایت دارند و بر اساس همین ویژگی‌ها، برنامه تولید و گفت‌وگوها را سامان‌دهی کنند، اوضاع بسیار متفاوت می‌شود. رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های رسمی، که صداوسیما در صدر آنهاست و همچنین برخی از خبرگزاری‌ها و مطبوعات، برای مخاطب خیالی و فرضی خود برنامه‌هایی می‌سازند و فکر می‌کنند فضای انتخاباتی جامعه را پرشور می‌سازند؛ در حالی که فضای جامعه در کف خیابان و اجتماع رقم می‌خورد.

یادمان

استاد علی شیخ‌الاسلامی معلمی برای تمامی فصول

غلامرضا ظریفیان
عضو هیات علمی گروه
تاریخ دانشگاه تهران

الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ (سوره رعد - آیه ۱۳)

دکتر علی شیخ‌الاسلامی، چهره ماندگاری که در ابدیت ماندگار شد. دانش وافر، فروتنی و تواضع بی‌مثال، لطافت طبع و مهربانی، نکته‌بینی و عمق ادبی و عرفانی، حقیقت‌طلبی و حق‌جویی از ویژگی‌های دکتر علی شیخ‌الاسلامی بود که او را متمایز از دیگران می‌کرد. عشق وافر به معلمی و شاگردپروری، علاقه بی‌حد و حصر به ادبیات ایران و ایران اسلامی، دانش گسترده، انعطاف و رواداری بسیار، گشاده‌دستی و دریادلی، پذیرش مسئولیت‌های بزرگ دانشگاهی از تجربه‌هایی بود که از او آموخته‌ایم.

سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
یادش گرامی و روحش شاد که یادآور این
گفته بایزید بسطامی ست: دو صدسال بگذرد که
گلی چون ما در زمهریر این جهان نروید.

دکتر فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بدون «تعامل با جهان» و «حذف دلالی» اقتصاد معنا ندارد

نباید اجازه داد کشور در معرض حوادث بدون بازگشت قرار بگیرد
نظام قاعده‌مندی اقتصادی باید با فرض ادامه تحریم‌های تعیین شود
نباید دوباره پشت به تولید و رو به دلال‌ها و رباخورها حرکت کنیم
اگر کسی از خطاهای فاجعه آفرین دولت خوشحالی کند، ملی نیست
برخی اظهارات مقامات اقتصادی مشکوک و نگران کننده است
کارگزاران بورس ۵ برابر کل خانواده‌های ایران سهم داشته‌اند
بازارگرایی مبتذل مفاهیم اقتصادی را هم مبتذل کرده است
قباحت سیاست‌های تورم‌زا در کشور ریخته شده است

عکس: آرمان ملی /فاطمه فتاحی

آرمان ملی- احسان انصاری: مهمترین بایسته‌های سیاستگذاری اقتصادی در چارچوب شرایط جدید اقتصاد سیاسی ایران چیست و دارای چه الزاماتی است؟ چه چشم‌اندازی پیش‌روی اقتصاد ایران با توجه به مذاکرات صورت گرفته وجود دارد؟ در این زمینه «آرمان ملی» با دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان و رئیس موسسه دین و اقتصاد گفت‌وگو کرده است. دکتر مومنی در این زمینه معتقد است: «ما در اقتصاد ایران با پدیده‌های غیر متعارف مواجه هستیم. در کشوری که طی مدت چهار سال قیمت ارز بین شش تا ۱۰ برابر افزایش پیدا کرده است، مقام رسمی‌ای که بر اساس قانون وظیفه صیانت از ارزش پول ملی را بر عهده دارد، عنوان می‌کند با سرکوب نرخ ارز مخالف است. واژه سرکوب در علم اقتصاد دارای حساب و کتاب است و مطرح کنندگان آن نیز مشخص هستند. این در حالی است که مطرح‌شدن این موضوع در ایران هیچ شباهتی به مطرح‌شدن آن در کشورهای توسعه یافته ندارد. بازارگرایی مبتذلی که در ایران جریان دارد مفاهیم اقتصادی را نیز به ابتذال کشانده است. چه فرصت‌طلبی‌ها و فسادهایی که در ایران به نام بازارگرایی در ایران در حال اتفاق افتادن است». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀مذاکرات ایران و کشورهای غربی به نقاط حساس خود رسیده است. به نتیجه رسیدن این مذاکرات چه چشم‌اندازی را پیش‌روی اقتصاد ایران قرار خواهد داد؟

امروز صحبت‌هایی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها با بیرون کردن رئیس جمهور قلدر و باج گیر قبلی خود و جایگزین کردن فرد دیگری به جای آن به‌دنبال این هستند از مسیر دیگری با ایران مراوده داشته باشند. این در حالی است که بایدن نیز مانند روسای‌جمهور گذشته قصد دارد ایران را در وضعیت بلاتکلیفی قرار بدهد. بنابراین اگر ایران قصد دارد از این بلاتکلیفی نجات پیدا کند باید نظام قاعده‌مندی اقتصادی با فرض ادامه تحریم‌ها تعیین شود. ما نباید معطل بازی‌های فرسایشی‌ای که سبب از بین رفتن منافع ما خواهد شد، باشیم. در ظاهر قرار است تنش‌های بین ایران و آمریکا کاهش پیدا کند. با این وجود ما باید قاعده‌گذاری‌های اقتصادی را در مداری قرار بدهیم که راه نجات ایران است. اگر در بزنگاه کنونی این مسأله به درستی درک نشود ایران ممکن است در معرض فجایع بدون بازگشت قرار بگیرد. در روزهای اخیر رئیس بانک مرکزی و معاون اقتصادی سازمان برنامه و بودجه در کلاب‌هاوس نکاتی را مطرح کرده‌اند که نشان می‌دهد قرار است قباحت افزایش بی‌حد قیمت دلار از بین برود و دوباره اقتصاد کشور را در دور باطل افزایش بی‌رویه قیمت دلار قرار بدهند. در چنین شرایطی سیاست‌های تورم‌زا دوباره در دستور کار قرار می‌گیرد و از دل این سیاست‌ای تورم‌زا ما با بحران تقاضای موثر توسط خانواده‌ها و گسترش و تعمیق فساد و نابرابری مواجه خواهیم بود که در نهایت به سقوط بنیه تولید منجر خواهد شد. به همین دلیل در این زمینه لازم می‌دانم هشدار جدی به تصمیم‌گیران کشور بدهم.

◀چه دلایلی باعث می‌شود اقتصاد کشور دوباره در دور باطل افزایش قیمت دلار و ایجاد سیاست‌های تورم‌زا قرار بگیرد؟

هنگامی که عبارت‌های مشکوک و نگران‌کننده توسط مقامات رسمی کشور مطرح می‌شود بخشی از آنها به دلیل ضعف بنیه علمی آنهاست ولی در مقابل ممکن است بخش‌هایی از آن به دلیل علائم تسخیرشدگی باشد. ما به عنوان جامعه دانشگاهی نمی‌توانیم در زمینه علائم تسخیرشدگی اقدام موثری انجام بدهیم. تنها می‌توانیم نهادهای نظارتی را نسبت به این علائم حساس کنیم تا کنترل‌ها را بیشتر کنند. با این وجود در زمینه اندیشه‌ای ما با آنها تعامل ایجاد می‌کنیم و اگر این تعامل صورت نگرفت طرح مسأله می‌کنیم تا با لطف رسانه‌ها این مسائل به گوش مسئولان برسد. اظهارات رئیس کل بانک مرکزی نشان می‌دهد ما از وضعیت اقتصادی دهه ۹۰ عبرت نگرفته‌ایم و دوباره قصد داریم پشت به تولید و رو به مفت‌خورها، دلال‌ها و رباخوارها حرکت کنیم. رئیس کل بانک مرکزی عنوان کرده بانک مرکزی با سرکوب نرخ ارز مخالف است. از سوی دیگر عنوان می‌کنند اگر امکانات ارزی در اختیارشان قرار گرفت ارزپاشی نمی‌کنیم که به معنای تکرار برخی اتفاقات در دهه ۹۰ مانند متوقف کردن برخی تزریقات درباره نیازهای حیاتی مردم و بسترسازی برای اثرگذاری روی انتظارات مردم و بسترسازی برای جهش نرخ ارز باشد. نکته قابل تأمل دیگری که ایشان گفته این است که عنوان کرده‌اند اجازه نمی‌دهیم قیمت ارز از یک حد مشخص کاهش بیشتری داشته باشد، به دلیل اینکه خطر خروج سرمایه در کشور ایجاد می‌شود. این در حالی است که هنگامی که تحولات داده‌های رسمی مرتبط با خروج سرمایه از کشور را مشاهده می‌کنید متوجه می‌شوید واقعیت برعکس است. اتفاقا اصرار بانک مرکزی به افزایش قیمت دلار باعث خروج سرمایه از کشور بوده است. اتاق تهران در گزارش خود درباره دهه ۱۳۹۰ گفته ما با آشوب‌های جهش‌های مکرر نرخ ارز مواجه بوده‌ایم و تنها براساس داده‌های رسمی حدود صد میلیارد دلار خروج سرمایه رسمی داشته‌ایم. در دوره جهش قیمت نفت یک مسابقه جنون‌آمیز خرید ملک در ترکیه و گرجستان و امارات مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد اگر مسأله تنها اندیشه‌ای است این برداشت‌ها درست در نقطه واقعیت قرار دارد و نیازمند اصلاح است.

◀چرا بانک مرکزی با سرکوب نرخ ارز مخالف است؟

ما در اقتصاد ایران با پدیده‌های غیرمتعارف مواجه هستیم. در کشوری که طی مدت چهار سال قیمت ارز بین شش تا ۱۰ برابر افزایش پیدا کرده است مقام رسمی‌ای که براساس قانون وظیفه صیانت از ارزش پول ملی را برعهده دارد، عنوان می‌کند با سرکوب نرخ ارز مخالف است. واژه سرکوب در علم اقتصاد دارای حساب و کتاب است و مطرح‌کنندگان آن نیز مشخص هستند. این در حالی است که مطرح‌شدن این موضوع در ایران هیچ شباهتی به مطرح‌شدن آن در کشورهای توسعه‌یافته ندارد. بازارگرایی مبتذلی که در ایران جریان دارد، مفاهیم اقتصادی را نیز به ابتذال کشانده است. چه فرصت‌طلبی‌ها و فسادهایی که در ایران به نام بازارگرایی در ایران در حال اتفاق افتادن است. اسمیت در کتاب ثروت ملل هنگامی که مفهوم قیمت بازاری را در استاندارد بازار رقابت کامل مطرح کرد، گفت منظور ما از قیمت بازاری قیمتی است که انعکاس‌دهنده سود منصفانه، اجازه منصفانه و مزد منصفانه باشد. در کشوری که مرکز آمار آن به صورت رسمی عنوان می‌کند بین ۶۰ تا ۷۰ درصد نیروی کار ایران در بازار غیررسمی در حال کار هستند و تنها چیزی که ردی از آن مشاهده نمی‌شود مزد منصفانه است مسئولان درباره کدام بازار صحبت می‌کنند؟ آیا قیمت بازار به معنای قیمت حاصل از رهاسازی بازارها و حاکم کردن قانون جنگل است یا به شکلی که اسمیت مطرح می‌کند قیمت بازاری یک ماشین پیچیده‌ای است که باید با ایجاد شرایط عادلانه و ترتیبات نهادی مشوق خلاقیت و تولید نوآورانه و مقابله با رانت و فساد باشد. مفهوم قیمت بازاری یکی از این ابزارهاست که سرکوب قیمت‌ها از دل این تلقی‌های کوته‌نگرانه نامربوط به دانش اقتصاد و بدنام‌کننده کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها ظاهر می‌شود. در یک بستر نهادی که تولیدکننده فلاکت، فساد و نابرابری‌های اجتماعی است، قصد دارند همه چیز را به عنوان رهاسازی به بازار بسپارند. مقامات رسمی عنوان می‌کنند نسبت به تأمین مالی بخش‌های مولد اهتمام جدی دارند. اگر جیب کارگزاران بورس از اعتبارات غیرمتعارف پر می‌شود به معنای تأمین مالی بخش مولد از طریق سرمایه در گردش مورد نیاز آنها نیست. یکی از کارهای غیرعادی که در کشور صورت می‌گیرد، ناشی از غیرحرفه‌ای بودن مقامات رسمی کشور در حوزه اقتصاد است. به همین دلیل اظهارنظرها و اقدامات عجیب و غیرمنتظره‌ای در فضای اقتصادی صورت می‌گیرد. برخی مقامات در زمینه مردم و تولید هیچ‌گونه دغدغه‌مندی بایسته‌ای از خود نشان نمی‌دهند اما به کارگزاران بورس که می‌رسند با حساسیت زیادی دغدغه‌های خود را نشان می‌دهند.

◀این اظهارات عجیب و دغدغه‌مندی‌های نامرتبط در نهایت چه پیامدهای اقتصادی برای کشور داشته است؟

براساس اظهارات مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی در ۹ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۹ بانک‌ها ۱۴۸هزار میلیارد تومان از طریق کارگزاری‌ها به بورس تزریق کرده‌اند. این رقم حدود ۲۵ درصد کل تسهیلات اعطایی در این مدت بوده است. این رقم برابر است با پنج برابر آن چیزی که در طول یک‌سال به عنوان یارانه نقدی به مردم پرداخت می‌شود. مسئولان عنوان می‌کنند هنگامی که کشور با بحران کرونا مواجه شد، قرار شد ما به مردم وام یک میلیون تومانی پرداخت کنیم. این در حالی است که در شرایط تورمی جامعه این یک میلیون تومان هیچ‌دردی از مردم دوا نمی‌کند. نکته قابل تأمل این است که وامی که طی این مدت به خانوارهای کشور که حدود ۸۰ میلیون نفر هستند، داده می‌شود رقمی بالغ بر ۲۸ هزار میلیارد تومان است. این به معنای آن است که کارگزاران بورس حدود پنج برابر کل سهم خانواره‌های کشور سهم داشته‌اند. معنای این اتفاق چیزی جز تسخیرشدگی نخواهد بود. مسأله تکان‌دهنده این است که براساس اظهارات یک مقام رسمی به بیش از ۳۸۰ هزار بنگاه اقتصادی، که ۶۵۶هزار نفر در آنها شاغل بوده‌اند، ۸۳۰۰میلیارد تومان تسهیلات داده شده است. در نتیجه سهمی که بانک‌ها در آن شرایط به بخش تولید داده‌اند نسبت به سهم کارگزاران بورس حدود یک‌هجدم بوده است. غرض اینکه واقعا در چارچوب این طرز نگاه و آن سطح از تسخیرشدگی فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منافع توسط غیرمولدها می‌خواهم بگویم ما حرفی از توافق‌های بین‌المللی هم نخواهیم زد؛ اسم این توافق بین‌المللی می‌خواهد برجام یا توافق با چین، روسیه و هر جای دیگر باشد. ماجرا این است که سرنوشت‌مان را خودمان رقم می‌زنیم و تا زمانی که اینها را درست نکرده باشیم چیزهای دیگر برای ایران نجات‌دهنده نخواهد بود. قباحت سیاست تورم‌زا در کشور ریخته شده و مسئولان اقتصادی بی‌پروا شده‌اند که در حالی که تمام اقتصاددان‌ها از هر نحله فکری تورم را ام‌الامراض می‌دانند و ریشه همه‌جور فساد و نارسایی و ناکارآمدی را به تورم نسبت می‌دهند. در دهه ۱۳۸۰ اقتصادی با میانگین تورم ۱۸ درصد جزو اقتصادهای ممتاز در بین کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شد؛ در حالی که اکنون تورم از ۲۵ درصد بالاتر برود جزو ۸ کشور با بالاترین تورم دنیا تلقی می‌شویم. در چارچوب عصر تورم‌های اندک، یکی از نکته‌هایی که مورد توجه قرار می‌گیرد اینکه در دهه ۱۹۸۰ بیش از ۹۰ کشور در دنیا تورم دو رقمی داشته‌اند در حالی که در سال ۲۰۱۵ کل کشورهایی که در دنیا تورم دو رقمی داشته‌اند ۱۵ کشور بوده است. چقدر غم‌انگیز و شرم‌آور این موضوع است و همچنین کسانی که مسئولیت اقتصادی برعهده می‌گیرند و اینقدر غیرمسئولانه درباره سیاست‌های تورم‌زا سیاستگذاری می‌کنند. در دنیا ما جزو معدود کشورهایی هستیم که نزدیک به ۴۵ سال است چند مورد استثنایی تورم دو رقمی داشته‌ایم. ما مطالعات کارشناسی کرده‌ایم که این غیر از فسادزایی، نابرابرزایی، وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج و ایجاد سازه‌های ذهنی و الگوهای شناختی مردم ایران هم آثار سوء مخرب بسیار داشته است. بنابراین من از رسانه‌ها تقاضا می‌کنم قباحت سیاست‌های تورم‌زا و دامن زدن به تب سوداگری تحت هر عنوان را برملا کنند. یک وزیر برای افزایش برخی قیمت‌های کلیدی نقشه می‌کشد. از او می‌پرسند نظر تو درباره قیمت اینها چیست؟ پاسخ می‌دهد قیمت‌ها دست خدا است. اگر خداشناسی تو مثل فهم از مساله اقتصادی است وا اسفا...! در همان کابینه یک نفر دیگر چند روز بعد می‌گوید برای اینکه مشت محکم به دهان آمریکا بزنیم خودمان قیمت دلار را بالا ببریم. کسی پیدا نمی‌شود به او بگوید زمانی که قیمت دلار را بالا می‌برید خاک بر سر آینده اقتصاد می‌کنید، تولیدکننده‌ها را ورشکست می‌کنید، مردم را به فلاکت می‌اندازید.

مفهوم قیمت بازاری یکی از این ابزارهاست که سرکوب قیمت‌ها از دل این تلقی‌های کوته‌نگرانه نامربوط به دانش اقتصاد و بدنام‌کننده کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها ظاهر می‌شود. در یک بستر نهادی که با تولیدکننده فلاکت، فساد و نابرابری‌های اجتماعی است، قصد دارند همه‌چیز را به عنوان رهاسازی به بازار بسپارند

◀راهکار شما برای بهبود وضعیت معیشتی مردم در کوتاه‌مدت و بلندمدت چیست؟

به دلیل اینکه ماه‌های آخر دولت آقای روحانی است به محض بیان حقایق عده‌ای خوشحال می‌شوند دولت خطا کرده است. من این را یک‌بار در دولت احمدی‌نژاد گفتم اگر کسی از خطاهای فسادساز و فاجعه‌آفرین سیاست‌های اقتصادی احمدی‌نژاد خوشحالی کند من او را آدم نرمال و ملی نمی‌دانم. عین این حرف را در مورد دولت روحانی هم مطرح می‌کنم. سرنوشت کشور اینگونه رقم می‌خورد. تا زمانی که سیاست‌های غلط و تسخیرشدگی‌های پرفساد توسط غیرمولدها را حل و فصل نکرده باشیم در قراردادهای همکاری نمی‌توانیم سود ببریم. تجربه ایران قبل از انقلاب را نگاه کنید. زمانی که قدرت و بنیه تولیدی ضعیف است آمریکایی‌ها هم به رژیم شاه متحد استراتژیک می‌گفتند ولی دیدید آن زمان که متحد استراتژیک نیاز به پشتیبانی آمریکایی‌ها داشت پشت آنها را خالی کردند. منطق پشت آنها را خالی کردند هم کاملا روشن است. آنها مانند روسیه در برابر قاجارها در کادر ترکمانچای به خاندان‌های حکومت‌گر عقد اخوت نمی‌بندند؛ اینها فقط منافع را نگاه می‌کنند. بنابراین اصل اینکه باید تعامل با خارجی‌ها داشته باشیم درست است اما حیاتی‌تر اینکه بگوییم چگونه تعاملی؟ اگر قرار باشد از دل تعامل زمین‌گیر شویم و تا ۲۵ سال دیگر همچنان نفت خام و گاز بفروشیم.... ماجرای ۲۵ سال چیست؟ خود چینی‌ها برنامه ۲۵ ساله طراحی کرده‌اند که ظرف ۲۵ کلا الگوی سوخت خود را از سوخت‌های فسیلی بردارند و به سوخت‌های تجدیدپذیر منتقل کنند. پس کسی که این گونه علنی از ما استفاده ابزاری می‌کند نمی‌تواند متحد استراتژیک تلقی شود. بنابراین می‌خواهم خواهش کنم همه کمک کنیم کمربندها را در داخل سفت کنیم و بنیه تولیدی را ارتقا داده و فساد را کاهش دهیم. کاملاً معلوم است نگاه چین به مساله نفت خام و گاز طبیعی که می‌خواهد از ما خریداری کند ابزاری است درست مثل نگاهی که روس و انگلیس و آمریکا در قبل از آن داشته‌اند. من نمی‌گویم نگاه ابزاری بد است بلکه وقتی منافع خودمان محرز شد جلو برویم وگرنه به صرف اینکه کارهای او راه بیفتد و ما گرفتارتر شویم به هیچ‌وجه درست نیست. ما اسناد استراتژی تجاری و دفاعی آمریکا را در یک دهه گذشته بررسی کرده‌ایم و دیدیم برخورد آمریکایی‌ها هم چه در تنش‌آفرینی و چه در تنش‌زدایی برخوردی کاملا ابزاری است. در آن اسناد دیدیم مساله اصلی آنها کنترل نفوذ چین در منطقه است. از این نظر بین روسیه، چین، آمریکا، انگلیس، فرانسه و حتی هند هیچ تفاوتی وجود ندارد.

به دلیل اینکه ماه‌های آخر دولت آقای روحانی است به محض بیان حقایق عده‌ای خوشحال می‌شوند. من این را یک بار در دولت احمدی‌نژاد گفتم اگر کسی از خطاهای فسادساز و فاجعه‌آفرین سیاست‌های اقتصادی احمدی‌نژاد خوشحالی کند من او را آدم نرمال و ملی نمی‌دانم؛ عین حرف در مورد دولت روحانی هم مطرح است

گـــزارش

هروآبادی: امکان تاییدصلاحیت احمدی‌نژاد صفر نیست، ممکن است سورپرایز شوید

جسارت احمدی‌نژاد؛ سکوت اصلاحات

◀اظهارات احمدی‌نژاد کف مطالبات مردم است

آرمان ملی: محمود احمدی‌نژاد وارد عرصه انتخابات شد، نامش را نوشت، در شبکه‌های اجتماعی لحظه درگیری همراهان او در وزارت کشور منتشر شد و بالا رفتنش از نرده‌های وزارت کشور. این نام‌نویسی چیزهای دیگری هم داشت که شاید رسانه‌ها کمتر به آن توجه کرده‌اند. با همان سبک و سیاق کارهای خودش از نرده‌های وزارت کشور بالا رفت و با آنها حرف زد. احمدی‌نژاد اما روز نام‌نویسی انتخابات، اظهارات معناداری هم کرد؛ از این گفت که در صورت ردصلاحیت، نه انتخابات را تایید می‌کند، نه رای می‌دهد و نه از احدی حمایت می‌کند. او می‌گوید با روالی که اکنون کشور اداره می‌شود، امکان اصلاح وجود ندارد. مشکل اصلی نوع نگاه کلان به کشور است. جدا شدن حکومت از مردم در حدی است که به کلی از اهداف انقلاب دور شده‌ایم. زمانی افتخار نظام، حضور پرشور مردم در انتخابات بود؛ اما اکنون کار به‌جایی رسیده که از اطلاع‌رسانی و اعلام آمار در انتخابات طفره می‌روند. مردم هیچ‌وقت آنها را قبول نداشته‌اند که نمونه‌اش هم انتخابات قبلی است. او از ورود غلط به قانون‌گذاری‌ها می‌گوید و... . محمود احمدی‌نژاد در این مدت اما هرچه می‌گفت و می‌گوید از سوی رسانه‌های راست و چپ مورد حمله قرار می‌گرفت و می‌گیرد. راه و روش احمدی‌نژاد به گونه‌ای شده که اساسا او را از هر دو طیف نه تنها جدا کرده؛ بلکه به مخالفان شماره یک هر دو جناح بدل ساخته است. هرچند در کارنامه اعمال او گذشته‌هایی تلخ نوشته شده که نمی‌توان آن را فراموش کرد. محمود احمدی‌نژاد با علم به ردصلاحیت شدنش بار دیگر کاندیدا شده و این خود معنادار است. اظهارات امروزش خیلی صریح‌تر و بی‌پرواتر از هر زمان دیگری است. گفته‌هایی که شاید اگر از زبان چهره‌های دیگری شنیده می‌شد آن افراد را نزد مردم بسیار محبوب می‌کرد. احمدی‌نژاد اگر از دید بسیاری صداقت هم نداشته باشد اما از نگاه عده‌ای جسارت دارد. این در حالی است که از سویی دیگر اما شاهد هستیم جریان اصلاح‌طلب عکس این عمل کرده است؛ جریانی که بقای در قدرت را به جسارت ترجیح می‌دهد و از این رو هر بار محافظه‌کارتر می‌شود و همین موضوع همانی است که برای بسیاری از مردم دلسردکننده است. احمدی‌نژاد این روزها کاملا مسیری جدا را دنبال می‌کند. می‌داند که برای قدرت دیگر نتیجه‌ای هم نخواهد گرفت اما به جایش اگر در دل مردم برود نسبت به چند سال گذشته شاید وجهه‌اش اندکی ترمیم شود. این موضوع را می‌توانیم در اظهارات و اعمال امروزش جست‌وجو کنیم یا اوج اتفاقات بد این سال‌ها که مردم را به همان دولت او راضی کرده است؛ اما نتیجه‌اش این است که می‌بینیم. ولی عکسش در جریان اصلاح‌طلب دیده می‌شود؛ اینکه روزبه‌روز از مردم دورتر می‌شوند و همان‌طور از قدرت هم.

◀امید به لاریجانی

حجت‌الاسلام وحید هروآبادی از حامیان احمدی‌نژاد البته تاییدصلاحیت احمدی‌نژاد را صددرصد غیرممکن هم نمی‌داند و به «آرمان ملی» می‌گوید: در سال ۷۶ نیز آقای خاتمی نوعی نماد تقابل در برابر وضعیت بوده اما دیدیم که تایید صلاحیت شده است. در این میان عده‌ای هم این موضوع را مطرح می‌کنند، کسانی که دو دوره رئیس‌جمهور شده‌اند دیگر رد صلاحیت می‌شوند که در پاسخ به این هم ما آقای هاشمی را در سال ۸۴ داشته‌ایم که به‌رغم هشت سال رئیس‌جمهوری اما تایید شده است. این دو موضوع می‌توانند به عنوان فکت‌های تاریخی باشند که احتمال تاییدصلاحیت احمدی‌نژاد را صفر نکند و چه‌بسا بسته به شرایط امروز ناگهان جامعه سورپرایز شود. وی درباره اظهارات احمدی‌نژاد می‌گوید: آنچه امروز احمدی‌نژاد یا آقای تاجزاده بیان می‌کنند واقعا کف مطالبات مردم است و چیز عجیبی نیست. وی درباره محافظه‌کاری قاطبه اصلاح‌طلبان برخلاف احمدی‌نژاد اظهار می‌کند: برای من ناراحت‌کننده است، برای اینکه نیروهای اصلاح‌طلبان را بسیار شریف و ارزشمند می‌بینم اما در چنین شرایطی، امروز زمزمه‌هایی می‌شنویم مبنی بر اینکه آنها به جایی رسیده‌اند تا بخواهند از لاریجانی حمایت کنند یا در نهایت از کسانی مثل عارف که در مورد سکوتش طنزها ساخته شده است حرف بزنند. اگر اصلاح‌طلبان چنین رفتارهایی را از خود نشان دهند قطعا خود را از مردم بیشتر دور می‌کنند. وی ادامه می‌دهد: انسان یک‌بار امید دارد چیزی به دست بیاورد و برای همین محافظه‌کار است و یک‌بار سعی می‌کند چیزهایی را که دارد، از دست ندهد. اصلاح طلبان اکنون می‌خواهند همین چیزهایی را که دارند، از دست ندهند. شاید در شورای شهر یا در هیأت علمی‌های دانشگاهی و... بمانند اما بدانند اگر امروز از امثال لاریجانی حمایت کنند نسبت به اصولگرایان وضعیت بدتری پیدا خواهند کرد. من نگران این هستم که آدم‌های ارزشمند این جریان به پای ساکتان و محافظان و زدوبندکنندگان بسوزند.

انتخـــابـات

گزارش «آرمان ملی» از وضعیت نامزدی ظریف در انتخابات

دلواپسان آسوده باشند ظریف نمی‌آید

ادامه از صفحه ۳

◀ظریف اصلاح‌طلبانه عمل کرد

در همین زمینه «آرمان ملی» گفت‌وگویی با علی صوفی، عضو جبهه اصلاحات ایران داشته که در ادامه می‌خوانید.

*** با دیدار اخیر وزیر امور خارجه و رئیس دولت اصلاحات، آیا می‌توان اینطور تلقی کرد که زین پس ظریف خود را شخصیتی اصلاح‌طلب خواهد دانست؟**

آقای ظریف در مسیری که تاکنون اصلاح‌طلبان برای سیاست خارجی مشخص کرده بودند و در دولت آقای خاتمی نیز آن را به کار برده، یعنی تنش‌زدایی در عرصه بین‌المللی، اعمال شد. گام برداشتند. ما نمی‌توان ایشان را از یک سنخیت درونی دانست. اگرچه آقای ظریف هرگز اعلام نکرده‌اند که اصلاح‌طلب هستند، در همان مسیر تنش‌زدایی حرکت کردند و به مواضع اصلاح‌طلبانه دلشاد. تبعا نگرانی‌هایی که آقای ظریف دارند، می‌توان با اصلاح‌طلبان و در رأس آن‌ها آقای خاتمی مشترک باشد. عملکرد آقای ظریف اصلاح‌طلبانه بوده است.

*** روز گذشته آقای ظریف در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرده‌اند که نامزد انتخابات نخواهند بود. آیا بدون حضور آقای ظریف اصلاح‌طلبان احتمالی برای پیروزی انتخاباتی خود در نظر می‌گیرند؟**

تاالان نظرسنجی‌ها نشان داده‌اند که آقای ظریف نسبت به سایر نامزدهای اصلاح‌طلب از اقبال عمومی بهتری برخوردار بوده و اگر ایشان در انتخابات نیاید، دیگران تاکنون موقعیت ایشان را در نظرسنجی‌ها نداشته‌اند و طبعا این وضعیت برای اصلاح‌طلبان دارای ریسک خواهد بود.